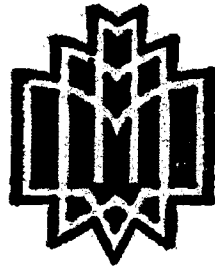


سورة الاحقاف

۸۷/۱/۱۰۴۵۹۰  
۱۲/۱/۸۷



دانشگاه تربیت معلم تهران

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

گروه زبان و ادبیات فارسی

پایان نامه

برای دریافت درجه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی

موضوع:

فرهنگ اشعار دیوان اوحدی مراغه‌ای

استاد راهنما:

دکتر عباس ماهیار

استاد مشاور:

دکتر محمد پارسا نسب

دانشجو:

معصومه همتی

شهریور ۱۳۸۲

۱۰۴۷۸

مجلس اعطای درجه کارشناسی ارشد  
گروه زبان و ادبیات فارسی

۱۳۸۲ / ۱۹ / ۳۰

تقدیم بہ پدر

و مادر عزیزم

## حمد و سپاس یزدان بی‌همتا را، که مرا به وادی بیکران دانش رهنمون ساخت

اینک که با استعانت از خداوند متعال، انجام این رساله به پایان رسیده، بر خود واجب می‌دانم از استادان بسیار گرامی و ارجمندم و تمامی عزیزانی که مرا از راهنمایی‌های علمی خود بهره‌مند نمودند، تشکر و قدردانی نمایم:

سپاس بیکران تقدیم استاد فرهیخته جناب آقای دکتر عباس ماهیار که الطافش فزون از هر نوع تقدیری است. و از ابتدا تا انتهای این رساله، صبورانه از هیچ راهنمایی دریغ نورزیدند و در هر لحظه یاریگر و مشوق من در انجام این تحقیق بودند. از خدای مهربان می‌خواهم این استاد فرزانه را از آسیب دهر محفوظ دارد تا روشنی بخش محافل عالمان و دانشجویان باشند.

و هم بر خود فرض می‌دانم از دقت نظر و راهنمایی‌های ارزنده استاد ارجمندم جناب آقای دکتر محمد پارسا نسب که مشاوره این رساله را تقبل فرمودند تشکر و قدردانی نمایم و آرزوی بهروزی ایشان را از خداوند متعال خواستارم.

تشکر و سپاسگزاری از سرکار خانم دکتر حکیمه دبیران که خلق نیکش شهره خلق است. و داوری این رساله را نیز بر عهده داشته‌اند، بر اینجانب لازم و ضروری است؛ هر چند که می‌دانم این تقدیر از زحمات چند ساله ایشان، بسیار ناچیز است. امیدوارم در سایه الطاف خداوندی، همواره شاداب و تندرست باشند.

از زحمات و رهنمودهای عالمانه سرکار خانم دکتر مریم حسینی که داوری رساله اینجانب را به عهده داشته‌اند، صمیمانه تشکر و قدردانی می‌نمایم و آرزوی بهروزی ایشان را از خداوند متعال خواستارم.

سپاسگزاری و قدردانی از زحمات شبانه روزی سرکار خانم دکتر منظر سلطانی، مدیر محترم گروه زبان و ادبیات فارسی نیز بر اینجانب واجب است. امیدوارم در سایه حق سالم و شاداب باشند.

همچنین از تلاش و زحمات فراوان آقای جعفریان، کارشناس محترم گروه زبان و ادبیات فارسی، قدردانم و آرزوی موفقیت در مراحل بعدی تحصیل و زندگی برای ایشان دارم.

خانواده‌ام پدر و مادر مهربانم، را ارج می‌نهم؛ به پاس مهر و محبت بی‌دریغشان که به من هدیه داشتند، آن‌ها که همواره پشتیبان و امید من در زندگی هستند. و از تنها خواهرم و همسرش که مرا در انجام این رساله یاری نمودند تشکر می‌کنم.

از زحمات سرکار خانم ملک لو، کتابدار دانشکده ادبیات و علوم انسانی، و سرکار خانم موسوی و سرکار خانم محرابی همچین بقیه عزیزان که در طول تحصیل همواره اینجانب را مورد لطف و محبت خود قرار دادند، سپاسگزارم و تشکر می‌نمایم.

دوستان خوبم خصوصاً سرکار خانم طاهره ایشانی، که در زیباترین خاطرات زندگی، با هم آسمانی از مهربانی و صمیمیت ساختیم، سپاس می‌نهم.

همچنین وظیفه خود می‌دانم به روح همه فرزندانگان و بزرگان که در حوزه علم و ادب، تحمل زحمت نموده‌اند به ویژه شادروان دکتر سیامک عرب، درود فرستم.

در هر صورت، علی‌رغم یک سال و اندی تلاش شبانه روزی، آنچه هست بضاعت مزجاء است و پای ملخی پیشکش سلیمان حکمتی.

حضور سبز میهمانان گرامی را، یادگار روزهای پر خاطره تحصیل، به ثبت می‌رسانم  
و تک تک آنها را قدر دانم.

«ولله الحمد اولاً و آخراً»

## چکیده

پایان نامه حاضر با عنوان « فرهنگ اشعار دیوان اوحدی مراغه‌ای » متشکل از چکیده، مقدمه و هفت فصل است. در مقدمه به مسائل تحقیق، ضرورت تحقیق، اهداف تحقیق، ساختار تحقیق و پیشینه تحقیق اشاره شده است. در فصل اول به تعاریفی از واژگان تحقیق، مروری بر زندگی اوحدی مراغه‌ای و مختصری درباره شرح احوال شاعر، نام و نسب او، وجه تخلص، مذهب و مشرب و آثار او پرداخته شده است. در فصل‌های بعدی لغات، ترکیبات و تعبیرات کنایی و اصطلاحات (موسیقی، عرفانی، نجومی ...) با شاهد مثالهایی از دیوان، مورد بررسی قرار گرفته است؛ لاجرم لغات، ترکیبات و اصطلاحات به خودی خود حجم زیادی از رساله حاضر را در بر می‌گیرند. همچنین در این پایان نامه، به بررسی ابیاتی پرداخته می‌شود که شاعر در دیوان به نحوی از انحاء، به صورت مستقیم و یا غیر مستقیم، تحت تأثیر آیات و روایات قرآن کریم و احادیث شریفه قرار گرفته است. که نشان دهنده غنای فرهنگی و وسعت دید و نظر و غور او در قرآن و حدیث است.

کلید واژه‌ها: دیوان اوحدی مراغه‌ای، اوحدی، لغات، ترکیبات، اصطلاحات، آیات و احادیث...



### فصل چهارم

- اصطلاحات عرفانی..... ۸۵  
اصطلاحات موسیقی..... ۹۲  
اصطلاحات شطرنج و نرد..... ۹۷  
اصطلاحات نجومی..... ۱۰۲

### فصل پنجم

- اقتباس از الفاظ و آیات قرآنی..... ۱۱۷

### فصل ششم

- روایات قرآنی..... ۱۴۷

### فصل هفتم

- اقتباس از احادیث شریفه..... ۱۵۴

- بحث و نتیجه گیری..... ۱۶۳

### فهرست‌های راهنما

- فهرست آیات قرآن کریم..... ۱۶۷  
فهرست احادیث شریفه..... ۱۷۱  
فهرست واژگان..... ۱۷۳  
فهرست منابع و مآخذ..... ۱۹۷



مقدمه

## مسأله تحقیق

سؤالاتی که در این تحقیق ما به دنبال پاسخ گفتن به آن‌ها هستیم، چنین مطرح می‌شوند:

با توجه به اینکه زبان فارسی استوارترین ارکان ملیت ایرانیان است و از جهت کثرت نوشته‌های منظوم و مثنوی، یکی از پرمایه‌ترین زبانهای جهان به شمار می‌رود، لغات و ترکیبات و اصطلاحات مورد استفاده در دیوان اوحدی چه هستند؟ آیا قابل درک هستند یا نه؟ از آنجائیکه اوحدی در مراغه مرکز حکومت مغولان در آن زمان می‌زیسته است تا چه حد تحت تأثیر لغات و اصطلاحات مغولی قرار گرفته است؟ آیا در اشعار خود آنها را به کار برده است؟ اوحدی تا چه حد در ساخت ترکیبات بدیع موفق بوده است؟ سؤال دیگر اینکه آیا شرح لغات و ترکیبات مشکل اشعار اوحدی کمکی به خوانندگان در درک بیشتر و بهتر آنها خواهد کرد؟ اوحدی شاعری عارف مشرب بوده است، تا چه حد توانسته است در اشعارش با آیات و احادیث بزرگان مضمون سازی بکند؟

## ضرورت تحقیق

برای غنای ادبیات کهن این مرز و بوم، گره‌گشایی و حل مشکلات دیوان شاعران، که از افتخارات ادبیات فارسی است، تهیه و تنظیم فرهنگی مجزا برای یکایک آثار بزرگان و ستارگان درخشان ادب فارسی لازم و ضرور به نظر می‌رسد. زیرا تا وقتی که لغات و تعبیحات زبان فارسی که در متون نظم و نثر پراکنده است، گردآوری و منظم نگردد، نمی‌توان یک فرهنگ لغت کامل برای زبان فارسی در دست داشت. برای رسیدن به این هدف فرهنگهای متنوعی جمع‌آوری و تنظیم شده است که به نظر می‌رسد در حوزه پایان‌نامه‌های دانشجویی پررنگ‌تر باشد، اما درباره اوحدی مراغه‌ای چنین کاری صورت نگرفته بود. همین امر نگارنده را برآن داشت تا برای جمع‌آوری چنین فرهنگی اقدام نماید. برای این منظور دیوان شاعر را مورد بررسی دقیق قرار داده، پس از استخراج و فصل‌بندی موارد مورد نظر، با توجه به منابع موجود، به شرح و توضیح آنها پرداخته است، که در نهایت حاصل کار در ۷ فصل «لغات»، «ترکیبات»، «اصطلاحات»، «اقتباس از آیات شریفه»، «روایات قرآنی» و «احادیث» عرضه شده است. و سعی شده است قسمی از این مسؤلیت به انجام رسانده شود.

## پیشینه تحقیق

با مراجعه به کتابخانه‌های ملی و مجلس شورای اسلامی، همچنین مراجعه به مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران (پژوهشکده) و جستجو در سایت اینترنتی ایران داک، دانشگاه تهران و علامه طباطبائی، هیچ‌گونه اثری که مستقلاً به بحث و بررسی در اشعار اوحدی پرداخته باشد یافت نشد.

## اهداف تحقیق

هدف از این رساله، تهیه فرهنگي مجزأ و شرح لغات مشکل و ترکی مغولی، و اصطلاحات و ترکیبات به کار رفته شده در دیوان و دسترسی آسان به این موارد است. و همچنین به نظر می‌رسد انجام این رساله، آماده سازی بستر مناسبی است برای توجه بیشتر ادب دوستان به اشعار وی که هر کدام در جایگاه ویژه‌ای از اهمیت شعری برخوردارند که اگر این کار انجام شده باشد، نگارنده به اهداف خود دست یافته است.

## روش تحقیق

این رساله بر مبنای کار کتابخانه‌ای است و روش به کار گرفته شده در آن روش تحلیل و گاه توصیف بوده است. بدین روش که ابتدا اشعار اوحدی فیش برداری و در موضوعات مناسب دسته‌بندی گردید. سپس کتابها و منابع مورد نیاز با راهنمایی استاد محترم راهنما، تهیه و مطالعه شد و نکات مورد نظر و لازم در فیش‌ها ثبت گردید و سرانجام در پرداخت نهایی و تألیف و نگارش از آن‌ها استفاده شد.

## ساختار تحقیق

این مجموعه متشکل از چکیده، مقدمه و هفت فصل و نتیجه‌گیری است و در پایان نیز فهرست‌های راهنما آورده شده است. در مقدمه به کلیات تحقیق، ضرورت تحقیق، پیشینه تحقیق، اهداف تحقیق، و روش تحقیق پرداخته شده است.

در فصل اول، مروری بر زندگی اوحدی مراغه‌ای و مختصری درباره شرح احوال شاعر، نام و نسب او، وجه تخلص، مذهب و مشرب و آثار او و تعاریفی از واژگان تحقیق پرداخته شده است.

فصل دوم با عنوان «لغات» به بررسی و بیان مفهوم لغاتی که دشواریاب هستند اختصاص داده شده است. در این فصل لغات گردآوری شده بر اساس حروف الفباء تنظیم گردیده است. سپس برای بیان مفاهیم آن‌ها به کتابهای فرهنگ لغت رجوع شد. در این فصل پس از ضبط هر لغت به ترتیب حروف الفباء به توضیح آن پرداخته شده و در پایان این توضیحات، بیت مورد نظر ذکر شده است. البته اگر از فرهنگ خاصی در این زمینه استفاده شده باشد، نام آن فرهنگ در پایان گزارش معنا ذکر شده و در غیر این صورت در پاورقی ارجاع داده شده است.

فصل سوم که ترکیبات و تعبيرات کنایی، وصفی و اضافی است، تقریباً بیشترین فصول رساله را به خود اختصاص داده است که این نشانگر وسعت دایره لغت و ترکیبات اوحدی است و اینکه ترکیبات و تعبيرات بدیع خاص خود را به کار برده است. در این فصل، ترکیباتی که به نظر دشوار می‌آمد و نیاز به

توضیح آن‌ها احساس می‌شد همراه با بیت مورد نظر ثبت گردیده است. برای یافتن معنی ترکیبات، با توجه به بافت و مفهوم بیت، از فرهنگهای مختلف استفاده شده است که از جمله: لغتنامه، فرهنگ اشارات، فرهنگ کنایات و ... را می‌توان نام برد.

ترکیبات خاص در این فصل نیز مانند فصل پیشین براساس حروف الفبا تنظیم شده‌اند. سپس معنی ترکیبات با ذکر منبع و مأخذ آن نقل شده است. ترکیب در این فصل ترکیبات کنایی، وصفی و اضافی را شامل می‌شود. لازم به توضیح است که فرهنگهای مورد استفاده در معنای هر یک از ترکیبات، در پایان گزارش معنا، ذکر شده است. و در توضیح این نکته ضروری است که ترکیبات کنایی در این فصل بیشتر از نظر ادبی مورد بررسی قرار می‌گیرند نه از نظر بیانی.

فصل چهارم این رساله، به بررسی و بیان، اصطلاحات عرفانی، نجوم و ... پرداخته شده است. در این فصل اصطلاحاتی که به نحوی در عرفان، نجوم و ... به کار رفته بودند گردآوری شد و براساس حروف الفباء تنظیم گردید. سپس برای بیان مفاهیم آن‌ها به کتابهای عرفانی و نجومی و غیره رجوع شد. از جمله: فرهنگ اصطلاحات عرفانی سجادی، تعریفات جرجانی و ... و در نجوم به کتابهای: التفهیم ابوریحان بیرونی، نجوم به زبان ساده، صورالکواکب، فرهنگ اصطلاحات نجومی، شرح مشکلات خاقانی دفتر یکم «ثری تا ثریا» و ...؛ اما پس از مطالعه و تورق هر یک از این کتب، نگارنده این سطور به این نتیجه رسید که در این باب از کتابهایی استفاده نماید که به صورتی روان و روشن به بیان مفاهیم نجوم پردازد. بنابر این با مشورت استادان محترم، بخصوص جناب آقای دکتر ماهیار استاد محترم راهنما، قرار بر این شد که از بین این کتب، از سه کتاب «التفهیم ابوریحان بیرونی، شرح مشکلات خاقانی دفتر یکم و فرهنگ اصطلاحات نجومی» بیشترین بهره برده شود و از سایر کتابها نیز در موارد لزوم استفاده گردد. این فصل نیز براساس حروف الفبایی تنظیم شده است.

فصل پنجم با عنوان «اقتباس از الفاظ و آیات قرآن کریم» به بررسی ابیاتی می‌پردازد که به نحوی از انحاء به صورت مستقیم یا غیر مستقیم تحت تأثیر قرآن کریم قرار گرفته و شاعر به طرق مختلف از آن الفاظ و آیات قرآن استفاده کرده است:

- گاهی شاعر عبارتهای قرآنی را در میان ابیات خود می‌آورد:

گر ز قرآن به دل رسیدت فیض یاد کن سر «کاظمین الغیظ» (ص ۵۳۰)

- در برخی موارد شاعر، خود ترکیبی از قرآن ساخته است:

«آیت نصره» بسی خوانم که از راه وصال باز گردد لشکر امید منصور از رخس (ص ۲۳۹)

- گاهی نیز شاعر، اشاره به نام یکی از سوره‌های قرآن کرده و در تصویرهای شعری خود از آن بهره برده است:

«یاسین» ز نامت آیتی، «طه» ز علمت رایتی      کشف تواز مه غایتی، برداشت مهر دختری (ص ۳۷)

در هر صورت، در این فصل ابتدا ابیاتی که الفاظ و عبارتهای قرآنی در آن به کار رفته شده بود، نقل و سپس عین آیه با اعراب گذاری و با ذکر سوره و شماره سوره و همچنین شماره آیه، با ترجمه کامل آن آورده شده است. کاربرد آیات و روایات در شعر اوحدی نشان دهنده نظر و غور او در قرآن و حدیث و روایت است. در این فصل سعی شده است که اشارات قرآنی، در دیوان اوحدی نشان داده شود و به همین علت، و به جهت اینکه این فصل دارای نظمی باشد که خواننده را سردرگم نکند بر اساس حروف الفبایی، آیات و گاهی کلمات و ترکیبات از هر بیت برگزیده شد. اغلب این کلمات یا ترکیبات از کلمات قرآنی است، بر اساس مفهوم آن بیت، آیه یا روایت از قرآن مجید، یافته و در ذیل بیت آورده و شماره سوره و نام آن و شماره آیه داده شده است. فهرستی از آیات و احادیث، با ذکر صفحه در آخر رساله آورده شده که طالبان را راهنما باشد. لازم به ذکر است ترجمه آیات از قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند استفاده شده است.

فصل ششم، به قصص و روایات قرآنی اختصاص داده شده است. این فصل نیز مانند فصل های پیشین بر اساس حروف الفبایی تنظیم شده است. و از کتابهای فرهنگ اساطیر، تلمیحات و تفسیر سور آبادی و ... استفاده شده است. و گاه نیز ذکر سوره و آیه که در آن داستان به کار رفته است، آورده شده و توضیحی در مورد آن داده شده است و سپس ذکر شاهد مثال از دیوان شده است.

فصل هفتم با عنوان «اقتباس از احادیث شریفه» به بررسی ابیاتی می پردازد که در آن اشاره به احادیث بزرگان شده است. در این فصل سعی بر این شده است که از منابع معتبر حدیث مانند: مسند احمد، الفتح الکبیر، مجمع البحرین، احادیث قدسیه، الجامع الصغیر، تحف العقول و ... استفاده گردد و در مواردی که حدیث مورد نظر در این کتب یافت نشد، به کتب معتبر قدیمی صوفیه مانند شرح تعرف و یا مرصاد العباد و ... ارجاع داده شده است. ترتیب احادیث در این فصل نیز مانند فصل «آیات»، بر اساس حروف الفبایی آورده شده است؛ در ضمن صحّت اعراب احادیث حتی الامکان رعایت شده است. در پایان پژوهش، در بخش نتیجه گیری، درباره کار پایان نامه، به اختصار سخن رانده ایم.

و در قسمت پایانی این رساله بخش فهرست های راهنما، به ارائه فهرست های: «آیات قرآن کریم، احادیث شریفه، واژگان، منابع و مأخذ» پرداخته شده است.

در خاتمه توضیح این نکته ضروری است که کار این تحقیق بر اساس کتاب دیوان اوحدی مراغه‌ای، تصحیح و مقابله و مقدمه سعید نفیسی انجام شده و در مواردی نیز از توضیحات این استاد ارجمند استفاده گردیده که به آن ارجاع داده شده است.

# فصل اول

« کلیات »

در این فصل، لازم است پیش از ورود به مبحث اصلی پژوهش (فرهنگ اشعار اوحدی) مرور مختصری بر زندگی نامه اوحدی و آثار او داشته باشیم و سپس به تعریف واژگان تحقیق چون لغت، اصطلاح، ترکیبات و کنایه پردازیم.

### مروری کوتاه بر زندگی اوحدی

رکن الدین، متخلص به اوحدی، متولد ۶۷۰ هجری قمری. از شعرای متصوف آذربایجان و معاصر آخرین ایلخان مغول سلطان ابوسعید بود. اوحدی آن پادشاه و وزیر او غیاث الدین محمد پسر خواجه رشیدالدین فضل الله را در اشعار خود مدح کرده است.<sup>۱</sup> شیخ رکن الدین اوحدی، در تاریخ ادبیات ایران چهره‌ای کم‌آشناست، نوشته‌های اکثر تذکره‌ها و منابع هم در خصوص تاریخ زندگی، وفات و محل فوت او از روی تسامح است. او در سال ۶۷۰ ه. در شهر مراغه به دنیا آمده و مدتی دراز نیز در آن شهر به سر برده و در سال ۷۳۸ ه. در ۶۸ سالگی در همانجا رخ در نقاب خاک کشیده است. قبر او در شهر مراغه با عنوان «پیر اوحالدین» زیارتگاه اهل ادب و معرفت است. از احوال و زندگی پدر او اطلاعات چندانی در دست نیست. احتمالاً مهاجرت او از اصفهان به مراغه علت فرهنگی و اقتصادی داشته است.

جامی در نفحات الانس، حاجی خلیفه در کشف الظنون، اوحدی را به مناسبت اینکه پدرش اصفهانی بوده، و خود چند سالی در آنجا سکنی داشته است اصفهانی خوانده‌اند. ولی در تذکره دولتشاه سمرقندی، ریاض العارفین، مجمع الفصحا و تاریخ ادبیات ادوارد براون و ... او را مراغهای قید کرده‌اند. تاریخ مرگ او در تذکره‌ها به اختلاف ذکر شده است: آتشکده آذر، مجمع الفصحا، ریاض العارفین (سال ۵۵۴)، هفت اقلیم (سال ۶۰۷)، تذکره دولتشاه سمرقندی (سال ۶۹۷)، دانشمندان آذربایجان (سال ۷۳۷)، نفحات الانس (سال ۷۳۸).

<sup>۱</sup> مصاحب، غلامحسین (سرپرست)؛ دایره المعارف فارسی، سال ۱۳۴۵-۱۳۴۶.



اوحدی تحصیلات خود را در مراغه آغاز کرده که در آن زمان پایتخت مغولان بوده و مدارس و مراکز علمی فراوان داشته است و سلاطین ترک نیز به شعرا به چشم عنایت می‌نگریستند، به پایان برده است.<sup>۱</sup>

### مذهب و مشرب اوحدی

مذهب اکثریت در روزگار زندگی شاعر مذهب اهل سنت و جماعت بوده است، از سخنان اوحدی نیز پیداست که وی پیرو طریقه شافعی اهل سنت بوده است و در چند جای مثنوی «جام جم» از خلفای راشدین به احترام یاد کرده است:

بگرفته به نور شرع یقین	چار یار تو چار حد زمین (ص ۴۸۸)
زایزد و ما درود چون باران	به روان تو باد و بر یاران (ص ۴۸۸)
خواجه او بود و پادشاه خداست	امرا چار یارش از چپ و راست (ص ۵۵۹)
شافعی گر به مال کردی میل	دجله پر مال او شدی و دجیل (ص ۵۷۰)
چون به جز نسر دین نبودش کام	فاش گردید جاودانش نام (ص ۵۷۰)

از اطلاعات و اشارات علوم و فنون و دانشهای مختلف در دیوان او استنباط می‌شود که وی از دانشهای رایج روزگار خویش از جمله ریاضیات، نجوم، کلام، فقه، حدیث، ادبیات، عرفان، حکمت و ... بهره‌مند بوده است. چنانکه از اشعار او پیداست که مدتی از عمر خویش را در اعتزال و اعتکاف با ریاضت سپری کرده است:

در جوانی چو زال پیر شدم      که چو سیمرخ گوشه گیر شدم (ص ۶۱۰)

### آثار اوحدی

کلیات اشعار مشتمل بر: ۱- قصاید: که حدود ۱۰۳۳ بیت است و بیشتر در حوزه مناجات خداوند و منقبت مولا علی (ع) و وعظ و تحقیق و ذکر حقایق اخلاقی و عرفانی است.

۲- ترکیات: که حدود ۷۹ بیت و در آرزوی کعبه و زیارت مرقد رسول الله سروده شده است.

۳- ترجیعات: ۳۱۳ بیت که در ۳۰ بند سروده شده، و در آن اندیشه‌های عرفانی، صوفیانه و قلندری به تصویر کشیده شده است و محور سخن اوحدی در ترجیعات بیشتر بر مدار وحدت وجود می‌چرخد:

تا به کنون پرده‌نشین بود یار      هیچ در آن پرده نمی‌داد بار (ص ۵۲)

<sup>۱</sup> - تقیسی، سعید؛ کلیات اوحدی مراغهای، ج دوم، ۱۳۷۵. دیپاچه.

طالب و مطلوب و طلب شد یکی پرده آن این عدد مستعار (ص ۵۲)

۴- مربعات: ۲۸ بیت است که از نظر محتوا تغزلی است.

۵- غزلیات: که مجموع آن ۷۸۰۶ بیت مشتمل بر مضامین غنایی و عاشقانه و دارای نکات ظریف قلندری و عرفانی است. سبک بیان اوحدی در غزل بسیار شیوا و لطیف است.

۶- رباعیات: که مجموعاً ۳۵۰ بیت است و محتوی آن اغلب عاشقانه است.

۷- ۳۸ بیت نیز به لهجه اصفهانی سروده است.

۸- منطق العشاق یا ده‌نامه: در قالب ۵۱۶ بیت، مثنوی در بحر هزج مسدس (مقصود یا محذوف) سروده است و شب شنبه بیستم رجب ۷۰۶ هجری آن را به پایان برده است:

شب شنبه که بود آغاز هفته رجب را بیست روز از ماه رفته

به سال واو و ذال از سال هجرت به پایان بردم این در حال ضجرت

چو دیدم در سخن خیر الکلامش نهادم منطق العشاق نامش (ص ۴۷۹)

و آن را به درخواست وجیه الدین یوسف بن خواجه نصیرالدین طوسی سروده است که اول مثنوی در احوال خویشتن و صفت ممدوح، مذمت روزگار و مناجات است؛ سپس ده‌نامه از زبان عاشق به معشوق خیالی یا به عکس بیان شده است:

وجیه دولت و دین شاه یوسف که دارد رتبت پنجاه یوسف

نصیرالدین طوسی را نبیره که عقل از فطنت او گشت خیره (ص ۴۵۶)

۹- جام جم: حدود ۴۵۷۱ بیت در قالب مثنوی سروده شده است که شاهکار شعری اوحدی است. بر وزن حدیقه سنایی شامل مسائل اخلاقی و تربیتی صوفیانه و آئینه روشنی است از آداب و اخلاق عصر و نیز مشتمل بر تمام مسائل مربوط به مبدأ و معاد است.

مؤلف تذکره الشعرا می‌گوید: «زمانیکه نسخه «جام جم» به اتمام رسید چنان مستحسن و مرغوب خاطرها گردید که در یک ماه چهار صد سواد مستعدان روزگار از آن کتاب برداشتند.»<sup>۱</sup>

تألیف این مثنوی به سال ۷۳۳ در ماه رمضان به پایان رسیده است. خود او گوید:

چون ز تاریخ برگرفتم فال هفتصد رفته بود و سی و سه سال

چون به سالی تمام شد بدرش ختم کردم به ليله القدرش (ص ۶۷۲)

وی در این مثنوی ضمن ستایش خواجه غیاث الدین، عمارت ربیع رشیدی را که در آن زمان در کمال شکوه و جلال بوده چنین توصیف کرده است:

<sup>۱</sup>. دولتشاه سمرقندی، امیر بختیاشاه تذکره الشعرا، دولتشاه، ۱۳۳۸، ص ۱۵۹.

ای همایون سرای فرخنده      که شد از رونقت طرب زنده  
طاق کسری زدفترت کسری ست      هشت جنت زگلشنت قصری ست (ص ۴۹۶)

### مسافرت‌های وی

اوحدی در دوره جوانی و حتی سالهای پختگی به سیر و سیاحت علاقه‌مند بوده و به اصفهان زادگاه پدرش، توجه بیشتری نشان داده:

اصفهان اقلیم چارم آسمان چارم است      سوی او عیسی صفت بی‌بار و خر باید شدن (ص ۳۱۹)

به کرمان به اعتبار اوحدالدین کرمانی پیر هم مشربی او و به سلطانیه به علت مرکز جدید حکومت و رونق علم و فرهنگ و به کربلا به انگیزه زیارت مرقد پاک سرور آزادگان حسین بن علی (ع) و به بغداد برای دیدن شهری که هنوز هم از اعتبار مدیته اسلامی برخوردار است روی آورده است:

اوحدی را باچنین قوم اوفتاد	راه سلطانیه و دارالسلام (ص ۲۵۶)
این آسمان صدق و دراو اختر صفاست؟	یا روضه مقدس فرزند مصطفاست (ص ۵)
ای دیده خوابگاه حسین علی‌ست این؟	یا منزل معالی و معموره علاست؟ (ص ۵)
ای جسم خاک شوکه این بیابان محنت است	وی چشم آب ریز که صحرای کرناست (ص ۴۸۹)
چشم کنار دجله شد جز یاد بغدادم مکن	چون آن هوس دارد دلم از دیگری یادم مکن (ص ۹۵)

اوحدی بعد از سیاحت در آفاق و انفس به شهر مراغه که مرکز حکومت و فرهنگ و سیاست و دیانت بود مراجعت کرده و آنجا را اقامتگاه همیشگی خود برگزیده و قصاید و غزلیات و جام جم خود را در آنجا سروده است.

### تخلص اوحدی

محمد علی تربیت مؤلف کتاب دانشمندان آذربایجان، دکتر ذبیح الله صفا در تاریخ ادبیات خود به استاد ابیات زیر از روی تسامح تخلص آغاز شاعری اوحدی را «صافی» ثبت کرده‌اند:

صافی چو ترا دید روان می‌نالد	برسینه زغم، سنگ زنان می‌نالد
گفتی تو که نالیدن صافی از چیست	جاننش به لب آمدست از آن می‌نالد (ص ۴۴۲)
ای خاک تو آب سبزه‌زار صافی	تابوت تو سرو جو بیار صافی
تا عمر مراغه بود هرگز نشانند	مانند تو سرو در کنار صافی (ص ۴۵۳)

حال آن که می‌دانیم «صافی» یا «صوفی چای»، نام رودخانه‌ای است که از وسط شهر مراغه می‌گذرد. اکثر نویسندگان تخلص «اوحدی» را برای شاعر به خاطر ارادت وی به اوحالدین کرمانی دانسته‌اند. در صورتی که ارتباط شاعر با اوحالدین کرمانی بنا به اختلاف تاریخ زندگی این دو باهم دیگر امکان پذیر نیست. «ادوارد براون اوحدی مراغه‌ای را در پیوند معنوی با مکتب عرفانی شیخ محی‌الدین عربی دانسته، بی‌تردید این ارتباط را در پیوند وی با اوحالدین کرمانی یافته است.»<sup>۱</sup> اما آنچه درست به نظر می‌رسد تخلص او برگرفته از نام یا لقب «اوحالدین» است. او به آوردن تخلص، علاقه خاصی دارد و در اغلب قالبهای شعریش اعم از قصاید، ترجیعات و مربعات تخلص خود را آورده است.

<sup>۱</sup>. براون، ادوارد، تاریخ ادبیات ایران: از سعدی تا جامی، ۱۳۵۱، ص ۱۵۵.